



# نقدی بر مقاله زبان متسران

جواد آسه

قبل از پرداختن به نقد مقاله گریز و گزیری از دو مقدمه نداریم.

## مقدمه ۱

از قرن بیستم به بعد در عرب، زبان شناسی نوین در کانون توجه قرار گرفت و تاکنون پیشرفت حیرت انگیزی داشته است. زبان شناسی در درون خود به شعبه هایی تقسیم می شود: زبان شناسی تاریخی و زبان شناسی توصیفی... در سال های اخیر کانون توجه از زبان شناسی تاریخی به زبان شناسی توصیفی گردانده شده است... در حقیقت قرن نوزدهم دوران زبان شناسی تاریخی بود. این گرایش شدید به تاریخ، تا اوایل قرن بیستم همچنان ادامه یافت، ولی زبان شناسی نوین توجه خود را روی تحقیقات توصیفی متمرکز کرده و متقابلاً از توجه به مطالعات تاریخی کاسته است زیرا معلوم شده که از تحقیقات توصیفی زبان در زندگی عملی بهره برداری بیشتری می توان کرد. زبان شناسی به سه دسته تقسیم می شود: ۱. آوا شناسی، ۲. معنا شناسی، ۳. زبان شناسی ساختاری؛<sup>۱</sup>

نظریات جدید و گوناگونی که در شاخه معناشناسی (امروزه این مباحث و مباحثی در مورد زبان در عنوان جدید به نام «فلسفه زبان»<sup>۲</sup> مطرح می شود) ارائه گشته مسأله جدیدی را به فلسفه دین به نام «زبان دین / دینی»<sup>۳</sup> (که زبان گزاره های دینی، اعم از گزاره های موجود در متون مقدس دینی یا هر گونه سخن از عقاید و آموزه های دینی است) افزوده است.

زبان دینی به این معنا، به بیان ماهیت گزاره های دینی و صفات آنها می پردازد. از آنجا که گزاره های قرآنی، بخشی از گزاره های دینی است رویکردهای زبان دینی بر نوع فهم ما از زبان قرآن تأثیر می نهد و از جمله مبانی نظری فهم قرآن تلقی می شود.<sup>۴</sup> در کتاب هایی که در فلسفه دین نگاشته شده بحثی از زبان قرآن به میان نیامده بلکه از آنجا که گزاره های قرآنی، بخشی از گزاره های دینی است، رویکرد زبان دینی بر نوع فهم ما از قرآن تأثیر می گذارد و از جمله مبانی نظری فهم قرآن تلقی می گردد. از دهه هفتاد تاکنون درباره «زبان دین» دو کتاب در کشور ما به ترتیب با عنوان های زبان دین، زبان دین و قرآن توسط دو تن از دین پژوهان محقق و فرزانه جناب دکتر امیر عباس علیزمانی، و جناب دکتر ابوالفضل ساجدی به رشته تحریر درآمده<sup>۵</sup> که امیدواریم بر غنای هر چه بیشتر این بحثها افزوده گردد.

## مقدمه ۲

«زبان قرآن»<sup>۶</sup> از مباحثی است که از دهه هفتاد به بعد در کشور ما مطرح شده و تاکنون با سیر تطور همراه بوده است تا آنجا که امروزه به چالشی جدی برای مفسران و قرآن پژوهان مبدل گشته است. در این سیر تطور «زبان قرآن» از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این نکته باید هنگام بحث از زبان قرآن مشخص نماییم کدام یک از ساحت های آن را می خواهیم بررسی کنیم. ساحت لفظ آن را: این که به زبان عربی نازل شده؟ یا ساحت مفرداتش: آیا این الفاظ بر مسمیات حقیقی با تمام اوصافشان دلالت دارند یا بر مسمیات و بر واقع، آن گونه که در فهم عرفی متداول است دلالت دارند؟<sup>۷</sup> یا این که در ساحت تفهیم پیام خویش، چگونه سخن گفته است؟ به زبان عرفی، عقلایی، عرف خاص، تألیفی و...؟ درون مایه آن چیست؟ آیه به زبان فطرت سخن می گوید؟ آیا آن را «زبان هدایت» بنامیم؟ و سرانجام در ساحت گزاره ها / جمله ها: آیا تمام گزاره های قرآنی ناظر به حقیقت اند؟ آیا مدلول ظاهری آنها مقصود است؟ تا چه اندازه می توان از زبان نمادین، رمزی، تأویلی، مجاز و... در فهم قرآن سخن گفت؟ رابطه فهم گزاره های قرآنی با فهم تجربه دینی و احساسات درونی چیست؟<sup>۸</sup> و... که اکنون ذهن و زبان مفسران و قرآن پژوهان را سخت به خودش مشغول کرده است.

عمده ترین اشکال مقاله «زبان قرآن»- نوشته سرکار خانم زینب باستانی که در شماره

۵۱ مجله پر بار بینات آمده - این است که مشخص نیست این مقاله در پی واکاوی کدام یک از ساحت های پیش گفته است! راقم مقاله در آغاز، پی معنای زبان را می گیرد. دو معنای نخست از زبان یعنی عضوی که در دهان وجود دارد... و به معنای لغت، معنای حقیقی لسان اما دو معنای دیگر: «لسان القوم»<sup>۹</sup> و «لسان صدق»<sup>۱۰</sup> معنای مجازی آن است. معنایی که از کتاب «مبانی کلام اجتهاد در برداشت از قرآن» نقل شده معنای اصطلاحی است نه مجازی و مؤلف کتاب نیز آن را به معنای مجازی قلمداد نکرده. ایشان با تعریفی که از زبان قرآن به دست می دهند (= سخن گفتن و ارتباط میان قرآن و بشر / ارتباط میان خالق و مخلوق) به نقد نظریه های مختلفی که از زبان قرآن ارائه گشته می پردازند. همان طور که می دانیم قرآن به لفظ و معنای فرو فرستاده خداوند متعال؛ و زبان چنانکه نویسنده محترم آورده اند ابزار انتقال مفاهیم ذهنی است و اضافه زبان به قرآن اضافه استعماری است که سر از مجاز در می آورد همانند «زبان قوم» و «زبان صدق» که پیش تر گذشت. بنابراین «سخن گفتن و ارتباط میان قرآن و بشر / ارتباط میان خالق و مخلوق» نمی تواند تعریف «زبان قرآن» باشد و اگر باشد معیار نقد دیدگاه های مختلف در زبان قرآن نخواهد بود. زیرا پیش تر گفتیم می توان از زوایای مختلف به زبان قرآنی نگریست.

یکی از نظریاتی که در مورد زبان قرآن در مقاله آورده شده «زبان قرآن از نگاه برهان» است. در صورتی که توضیحات ذیل آن اقامه دلیل عقلی است بر این که قرآن باید برای همگان قابل فهم باشد تا هدایت عموم انجام پذیرد و هدف ارسال رسل و انزال کتب محقق گردد. در ذیل عنوان دهم: «زبان قرآن، زبان عربی است» چنین آمده: «برخی نیز گویی با استدلال به آیه: و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه؛ (ابراهیم، ۴/۱۴) زبان قرآن را زبان عربی دانسته اند». حال آنکه به آیه مزبور در پاسخ به این پرسش استدلال شده که قرآن با لغت کدام یک از اقوام و قبیله های عرب فرو فرستاده شده است. عبارت «نظریه عربی بودن زبان قرآن نیز به واسطه زبان قرآن، که ارتباط میان خالق و مخلوق را برقرار می سازد و در بدو پلکان اول زبان قرآن، زبان عربی است قابل پذیرش نیست» ابهام دارد. اگر مراد از این جمله پذیرفتن دیدگاه عربی بودن زبان قرآن باشد با این جمله: «دسته نخست: آیاتی که زبان قرآن را لسان عربی فصیح... معرفی می نماید». در تناقض است

که در ذیل عنوان «زبان قرآن از زبان قرآن» آمده است .

در مقاله چند غلط املائی وجود دارد که قطعاً به هنگام تایپ در آن راه یافته است . در چند مورد آدرس داده نشده به عنوان نمونه : نظریه هشتم و آنجایی که داده شده بعضاً صفحات ذکر نشده : پی نوشته های ۴ ، ۹ ، ۲۲ و در مواردی عدد صفحات اشتباه است : پی نوشته های ۳ ، ۱۸ ، ۲۱ .

- ۱ . محمد رضا باطنی ، زبان و تفکر / ۱۶-۱۹ ، تهران ، آبانگاه ، ۱۳۷۳ ، ج ۵ .
- ۲ . برای نمونه : فلسفه زبان از « ویلیام پی . آلتون » ترجمه آقایان : احمد ایرانمنش و احمد رضا جلیلی .
- ۳ . ر . ک : فلسفه دین از « جان هیک » ، ترجمه آقای بهزاد سالکی / ۱۹۷-۲۳۳ ؛ همچنین علم و دین از « ایان باربور » ، ترجمه آقای بهاء الدین خرمشاهی / ۲۷۷-۳۰۶ .
- ۴ . ابوالفضل ساجدی ، زبان دین و قرآن / ۲۲ ، قم ، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ، ۱۳۸۳ ، ج ۱ .
- ۵ . مشخصات کامل این دو اثر به این قرار است : ۱ . امیر عباس علیزمانی ، زبان دین / ۲ ، قم ، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ، ۱۳۷۵ ، ج ۱ ؛ ابوالفضل ساجدی ، زبان دین و قرآن ، قم ، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ، ۱۳۸۳ ، ج ۱ .
- ۶ . از دهه هفتاد به بعد سه کتاب با عنوان « زبان قرآن » به چاپ رسیده که مشخصات کامل آنها به ترتیب سال انتشار به قرار ذیل است : ۱ . مقصود فراستخواه ، زبان قرآن ، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۶ ج ۱ ؛ ۲ . محمد باقر سعیدی روشن ، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن ، قم ، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشکده حوزه و دانشگاه ، ۱۳۸۳ ، ج ۱ ؛ ۳ . ابوالفضل ساجدی ، زبان دین و قرآن ، قم ، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ، ۱۳۸۳ ، ج ۱ .
- درباره « زبان قرآن » مقالات بسیاری نوشته شده که به تعدادی از آن که در « مجله بیئات » به چاپ رسیده اشاره می شود : ۱ . محمد هادی معرفت ، شناخت زبان قرآن ، بیئات ، ش ۳ ، ۱ و ۴ ؛ ۱۳۷۳ ؛ ۲ . علی رضا ذکاوتی قراقرلو ، زبان قرآن ، ش ۵ ، ۱۳۷۴ ؛ ۳ . محمد باقر سعیدی روشن ، زبان شناسی قرآن ، ۱ ، ۱۳۷۷ ؛ ۴ . زهرا اخوان صراف ، عرفی بودن زبان قرآن ، ش ۲ ، ۱۳۸۳ .
- ۷ . محمد باقر سعیدی روشن ، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن / ۲۲۷ .
- ۸ . ابوالفضل ساجدی ، زبان دین و قرآن / ۱۷ .
- ۹ . محمود صافی ، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه ، ۷ / ۱۵۶ ، بیروت ، دارالرشید ، ۱۹۹۱ م ، ج ۱ .
- ۱۰ . همان ، ۱۰ / ۹۱ .